صدای مشاور
ستون صدای مشاور جایی برای بیان پرسش‌ها و مشکلات حقوقی شما شهروندان است که می‌توانید آن‌ها را با ما در میان بگذارید و پاسخ پرسش‌های حقوقی خود را از قضات دادگستری، وکلا و کارشناسان حقوقی دریافت کنید.
پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
تلفن: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

قرار دادن یک دست و پا به عنوان مهریه وجاهت قانونی دارد؟



فرزانه عمادی | قرار دادن دست یا پا به عنوان مهریه نه عقلا و نه شرعا جایز نیست. زیرا یکی از شرط‌های مهریه داشتن مالیت یا ایجاد حق شرعی در آن است و مهریه‌ای که نه مالیت دارد، نه حق شرعی، صحیح نیست و امری باطل و ناشدنی است.
از آنجا که زن بلافاصله بعد از عقد مالک مهریه می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن شرط کند، مهریه دست و پا وجاهت قانونی ندارد و چنانچه زنی چنین مهریه‌ای را برای همسر خود قرار دهد، قاضی معادل دیه آن را تعیین می‌کند. مهریه‌های غیر متعارف از قبیل یک کیلو بال مگس نیز از این قاعده مستثنی نیستند.
همچنین برابر ماده ۲۴ قانون در اجرای محکومیت‌های مالی، مسکن مورد استفاده شوهر، خانواده و افراد تحت تکفل او، اثاثیه ضروری زندگی و وسیله نقلیه مورد استفاده در شأن شوهر و همچنین کتاب‌ها و وسایل علمی و پژوهشی شخصی به همراه وسایل و ابزار امرار معاش کسبه و پیشه‌وران قابل توقیف به‌عنوان مهریه نیستند.

داستان پلیسی

سلسله‌جبال خوشبختی

قضیه مثل خوره‌ای بود که معلوم نبود از کجا افتاد به جان اسماعیل. مثل یک کورک کوچک بود که با ناخنش مدام آن را خاراند و خاراند تا تبدیل شد به چیزی که تمام تن و ذهن او را تسخیر کرد. شاید هم تقصیر آن قله بلند بود... وقتی اسماعیل با تقلا و سختی آن را بالا آمد ساق‌های لاغرش از خستگی می لرزید و فهمید کف پای راستش، یکی از همان ترک‌های خشک قدیمی، حالا یک زخم درست و حسابی شده. برای همین وقتی توی سراشیبی سرازیر شد و به انتهای شکاف رسید به پشت سر نگاهی انداخت و با خودش فکر کرد که برگشتن از این مسیر و دوباره بالا آمدن از این شیب کشنده، یک کابوس تمام‌عیار است. درست از همانجا بود که آنتن گوشی ضعیف شد و وقتی اسماعیل به راه باریکه رسید، کاملا قطع شد. راه باریکه مثل روده می‌پیچید و روی دامنه تاب می‌خورد و بعد از یک پیچ ناگهانی قله بعدی را دور می‌زد و می‌رفت به‌جایی که از اینجا نمی‌شد دید. اسماعیل روی کاغذ را نگاه می‌کرد و تمام تلاشش را گذاشته بود تا بدون آنتن خط مسیر را دنبال کند و گنجش را بیابد. پاهای اسماعیل خط روی نقشه را که از مرکب اعلای هفتصدسال پیش بود دنبال می‌کرد و تخته سنگ‌های غول‌آسا و آبکندهای خشک و عمیق هم نمی‌توانستند متوقفش کنند. درست سرظهر وقتی آفتاب مغز آدم را زنده زنده می‌خشکاند، اسماعیل به انتهای خط مرکبی رسیده بود. اسماعیل یک روباه خاکستری دید که از پشت یک بوته جهید و رفت توی یک شکاف. آسمان بالای سر چنان آبی و صاف بود که خورشید تیغ آفتاب را روی سنگ‌ها و کلوخ‌ها می‌تافت. سنگ‌ها طوری داغ شده بودند که اسماعیل از پشت کفی کفشش هم آن را حس می‌کرد. ساکش را همانجا خالی کرد و گرفت روی سرش تا نفس راحتی بکشد. عصر که شد در پناه نرمه‌بادی که می‌رسید شروع کرد به کندن. دو ساعت بعد گودال درست هم‌قد اسماعیل شده بود و تنها چیزی که پیدا کرده بود چند تکه چوب بود. اسماعیل کمی دیگر کند و بعد کف چاله که بوی نا و رطوبت می‌داد نشست و گریه کرد. حس کرد حماقتش شبیه به آن قله بوده که موقع آمدن جانش را به لبش رسانده بود و حالا دیگر دوست نداشت این مسیر را برگردد. آن‌هم دست‌خالی. اسماعیل با خودش فکر کرد اگر یکی دو متر اشتباه کنده باشد چه! دستش را روی دیواره گودال گذاشت و گنج را پشت آن توده خاک تصور کرد. اسماعیل روز بعد سه گودال دیگر کند. یک لنگه کفش چرمی، یک قوطی زنگ‌زده و یک قلوه سنگ سفید، تنها چیزهایی بود که از دل گودال‌ها بیرون کشید. غروب که شد تاریکی امان نداد و چشم‌های اسماعیل جایی را ندیدند. برای همین روی توده خاک نشست و ساکش را که وارسی کرد دید آذوقه غذا و آبش ته کشیده. نور گوشی را روی نقشه انداخت و هرچه بالا و پایین کرد فایده نداشت. صدای زوزه روباه که بلند شد، نور گوشی موبایل هم پرید و همه‌جا تاریک شد. شب پیش تنها جنبنده‌هایی که اسماعیل دید، چند سگ استخوانی گرسنه که با گردن‌های قوزکرده عبور کردند و تک‌وتوک حشره‌های درشتی که زیر سنگ‌ها قایم شدند. صبح بعد اسماعیل گرسنه و تشنه بود. نقشه را توی یکی از چاله‌ها انداخت. وسایلش را ریخت توی ساک و بی‌هوا راه افتاد.
سه‌سال بعد یکی از پیرزن‌های همسایه که دم در با سمیه‌خانم خوش‌وبش می‌کرد گفت که مردی شبیه اسماعیل را دیده که روی موتور سریع رد شده و یک زن هم همراهش بوده. بعد گفته بود که این روزها آدم همه‌چیز می‌بیند و می‌شنود و شاید همه این حرف‌های گنج و غیره فقط نقشه بوده تا سمیه و بچه‌هایش را ول کند و راهش را بکشد و زندگی دیگری شروع کند. چندماه پیش هم یکی دیگر خبر آورده بود که رفتگری که صبح‌ها کوچه را جارو می‌زند شبیه اسماعیل است. سمیه‌خانم کله سحر چشم کشیده بود تا صدای خس‌خس جاروزدن برسد به در خانه‌اش بعد که به چشم‌های یخ‌زده رفتگر زل زده بود، هیچ نگاه آشنایی در آن‌ها ندیده بود.

پایان

مرگ‌های ریشه‌دار

مروری بر پرونده‌های جان‌باختگانی که مشکلات آن‌ها ناشی از اختلافاتی در گذشته‌های دور و نزدیکشان بوده است

محمدجواد ابوعطا

گزارش

چند روز پیش یک مرد در مشهد مرد. البته مرگش عادی نبود، انگار در برابر مشکلات زندگی کم آورده بود و تصمیم گرفت بمیرد. برادرش اولین نفری بود که کالبد بی‌جانش را دید. او بهت‌زده و حیران از سرنوشت برادر، در پاسخ به مقام قضایی و در تکمیل تحقیقات پرونده ماجرای اختلافات خانوادگی را به میان کشید و بعد هم مشخص شد که همسر متوفی قصد جدایی از او را داشته است، اما حالا جدایی‌شان ابدی شده است. ماجرای مرگ‌های خودخواسته گذشته از عجیب بودنشان، موضوعی است که حاصل بسیاری از ناملایمات زندگی است، اگر در گذشته بیماران دارای مشکلات روحی و روانی بیشتر مرگ را مهمان تنشان می‌کردند، امروز دیگر افراد نیز سوار بر این قطار سیاه می‌شوند، حتی نوجوانانی که بن‌بست‌های بسیار کوچک زندگی را تحمل نمی‌کنند یا پدرها و مادرهایی که نه‌تنها نمی‌دانند چطور جلو آوار مرگ بر زندگی فرزندانشان را بگیرند، بلکه گاهی خودشان ناخواسته این مسیر را ریل‌گذاری می‌کنند. اما بررسی اجمالی بسیاری از پرونده‌ها نشان می‌دهد که این مرگ‌ها ریشه در گذشته دور یا نزدیک افراد دارد که به آن توجهی نشده است.
براساس آماری که شهره شاهرودی، معاون اجتماعی بهزیستی خراسان رضوی اعلام کرده است، خودکشی یکی از سه موضوعی است که بیشترین میزان تماس‌های برقرار شده با اورژانس اجتماعی را در استان و مشهد به خود اختصاص داده است.

وقتی جامعه آموزش نمی‌بیند

به گفته بازپرس جنایی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲ مشهد، امروز مجموعه‌ای از مشکلات افراد را به سمت حذف خود از زندگی پیش می‌برد. گاهی ارتباط فرد با خانواده و اطرافیان نامناسب است و خانواده نیز آگاهی‌های لازم را در این باره ندارد و نمی‌داند چگونه باید با فردی که احتمال دارد خودش را بکشد برخورد کند، علتش هم آموزش ندیدن افراد است.
مشکلات اقتصادی، خیانت‌ها و مسائل روحی و روانی از عمده دلایلی است که قاضی محمود عارفی‌راد آن‌ها را دلایل مهمی در بروز این ناهنجاری برشمرد و گفت: متأسفانه در میان قربانیان گاهی افراد کم سن و سال نیز دیده می‌شوند و این نشان می‌دهد که نسل جدید تحمل ناکامی‌ها و مبارزه با مشکلات را کمتر آموخته است.

۵۰درصد فقط مشکلات روانی دارند

براساس اظهارات این مقام قضایی، اگر در گذشته خودکشی تنها از سوی عده‌ای از افرادی که مشکلات روحی و روانی داشتند رخ می‌داد، امروز با توجه زیادی که به این افراد می‌شود و معمولا تحت نظر هستند، دیگر افراد جامعه گوی سبقت را از آن‌ها ربوده‌اند به طوری که ۵۰درصد پرونده‌های تشکیل شده در حوزه خودکشی از سوی بیماران است و نیمی دیگر آن افراد عادی هستند.
وی در پاسخ به اینکه در واکاوی صحنه‌هایی که فرد با قصد قبلی خود را به دست مرگ سپرده، خانواده‌ها بیشتر چه چیزی را دلیل این حوادث می‌دانند؟ بیان کرد: بستر تحقیقات جنایی محل آسیب‌شناسی نیست اما بارها مشاهده کرده‌ایم که بیشتر خانواده‌ها توجیه نیستند و در رویارویی با مشکلات نمی‌دانند چه باید بکنند و همیشه با پیش فرض اینکه فرد جان‌باخته مشکل داشته، به نقش خود در این حوادث اهمیت نمی‌دهند.
عارفی‌راد با اشاره به اینکه معمولا افراد آسیب‌دیده یا افرادی که با خودکشی فردی روبه‌رو می‌شوند، بدون هیچ درمانی رها می‌شوند گفت: در پرونده‌ای داشتیم که نوجوانی ۱۴ ساله اقدام به خودکشی کرده بود، بررسی‌های بعدی نشان داد که او در کودکی شاهد حلق‌آویزی خاله‌اش بوده و پس از گذشت سال‌ها بدون اینکه اطرافیان به او توجهی داشته باشند، خود را به همان شکل کشته است.

افسردگی را جدی بگیرید

به گفته یک جامعه‌شناس دو نظریه غالب در جامعه‌شناسی داریم که به تبیین خودکشی می‌پردازند، اولین حوزه روان‌شناختی است که تکیه‌گاه کارشناسان یک نگاه فردی است و در این حوزه بررسی می‌شود که ممکن است چه اتفاقی در زندگی فرد بیفتد یا چه حالت روانی‌ای می‌تواند منجر به این شود که یک فرد تصمیم به خودکشی بگیرد.
دکتر حامد بخشی ادامه داد: بحث افسردگی در خودکشی بسیار مهم است و بیماری‌های روانی زمانی که طولانی می‌شوند فرد را به سمت خودکشی سوق می‌دهند. در پرونده خودکشی برخی سلبریتی‌ها این مسئله دیده می‌شود.
وی با اشاره به نظریات حوزه دوم که در آن بعد اجتماعی بررسی می‌شود نه ابعاد فردی بیان کرد: در این بعد ریشه‌ای‌تر به خودکشی توجه می‌شود و انسجام اجتماعی در بالا و پایین رفتن این نرخ در جامعه مؤثر است.

هیچ آمار واقعی در دست نیست

وی با انتقاد از نبود آمار واقعی خودکشی‌ها در جامعه که نمی‌توان فهمید چه گروه سنی بیشتر به این اقدام روی می‌آورند یا آمارها چقدر افزایش و کاهش داشته است، تصریح کرد: ما در این حوزه به صورت مفروض به خودکشی توجه می‌کنیم و با شواهدی همچون خودکشی سلبریتی‌ها و خودکشی‌های عیان، می‌توان نتیجه گرفت که خودکشی در جامعه بالا رفته است.
بخشی ادامه داد: در این حوزه نمی‌توان تنها عوامل فردی و جزئی را بررسی کرد بلکه باید نقش والدین یا سیستم آموزشی نیز بررسی شود، امروز در جوامع غربی حتی به موسیقی‌هایی که می‌تواند افراد را به خودکشی تشویق کند نیز توجه می‌شود و این موضع در کشورهای غربی بسیار مطرح است.
این جامعه‌شناس با بیان اینکه نرخ خودکشی وقتی بالا می‌رود که عمدتا وجدان جمعی جامعه ضعیف شده باشد و آدم‌ها چندان متکی به آن نباشند، تصریح کرد: در این شرایط با خودکشی خودخواهانه روبه‌رو هستیم و آدم‌ها به این دلیل که تنها به خود می‌اندیشند و به جامعه توجهی ندارند، در یک لحظه فکر می‌کنند که باید خودکشی کنند.

آینده اجتماع غیر قابل پیش‌بینی

وی خودکشی نوع دوم را ناشی از سست شدن انسجام اجتماعی دانست و گفت: با بحران‌های اجتماعی خودکشی افزایش می‌یابد، وقتی فضای اجتماعی جامعه متلاطم می‌شود و آدم‌ها آینده‌ای را نمی‌توانند برای خود متصور شوند، پای تداوم زندگی در برابر این دشواری‌ها لرزان می‌شود. این خیلی اهمیت دارد که بخش عمده‌ای از خودکشی‌ها در اجتماع ما مربوط به همین عامل است که در جامعه درگیر بحران‌های متعدد و فراوان هستیم و بی‌ثباتی جامعه چون زیاد است افراد نمی‌توانند آینده مطمئنی برای خود داشته باشند.
تغییرات سریع اجتماعی و اقتصادی که امید افراد را به باد می‌دهد از عوامل دیگری است که پای افراد را برای ادامه زندگی سست می‌کند و نمی‌توانند با این موضع کنار بیایند، این جامعه‌شناس با بیان این موضوع افزود: این خیلی اهمیت دارد که زندگی برای مردم یک جامعه تا حدی قابل پیش‌بینی باشد و مسائل سیاسی اهمیت بسیار کمی در این موضوع دارند، اما گاهی سیاست وارد عرصه اجتماعی و زندگی شخصی افراد می‌شود و حتی معیشت فردی را تحت‌تأثیر می‌گذارد که به بی‌ثباتی اجتماعی منجر می‌شود. بی‌ثباتی اجتماعی از عوامل کلاسیکی است که نرخ خودکشی را در یک جامعه بالا می‌برد.
بخشی، در پایان درباره راهکار خروج از این وضعیت به خصوص برای جوان‌ترها بیان کرد: نسل جوان که اندوخته‌ای ندارد و عمدتا با درآمدهای ناپایدار زندگی می‌کند بیشتر در معرض این بی‌ثباتی‌هاست. خود والدین هم نمی‌توانند بدون مداخلات روان‌شناسی اقدامی کنند در این میان سیستم آموزشی باید این مسائل را به جامعه و نسل جوان آموزش دهد.



بانوی مرگ مغزی ناجی ۶ بیمار شد

خبر

سهیل دیبا | بیمار زنی نیشابوری بود. یک حادثه این مادر سی‌وهفت ساله را از خانواده‌اش جدا کرده و در بیمارستان حکیم نیشابور تحت مراقبت‌های ویژه پزشکی قرار داده بود. کادر درمان تلاش زیادی برای بازگرداندن این زن به زندگی انجام دادند که ناکام ماند و در نهایت مشخص شد ام‌البنین جبرجوقی دچار مرگ مغزی شده و دیگر به زندگی باز نمی‌گردد.
موضوع مرگ مغزی این زن جوان به بستگان و خانواده‌اش اعلام شد. پزشکان به این افراد اطمینان دادند که به‌زودی او دار فانی را وداع می‌کند، حالا ممکن است چند ساعت یا چند روز زمان ببرد و یگانه راه پیش پایشان، نجات جان بیماران نیازمند به عضو بود. اعضای خانواده در اقدامی انسان‌دوستانه با اهدای عضو موافقت کردند و این گونه شد که هزار و دویست و سی امین عمل اهدای عضو در بیمارستان منتصریه انجام شد.
در این عمل کلیه‌ها به دو مرد ۲۲ و ۲۶ ساله



ساکن تربت حیدریه و مشهد که سال‌ها از نارسایی کلیه رنج می‌بردند و با دیالیز تحت درمان بودند به صورت رایگان اهدا و پیوند شد. کبد نیز در بیمارستان منتصریه به زنی ۴۰ ساله ساکن سبزوار به صورت رایگان اهدا و پیوند شد. قرنیه‌ها هم برای پیوند به بانک چشم دانشگاه علوم پزشکی مشهد و در ادامه قسمتی از پوست مرحوم ام‌البنین جبرجوقی برای پیوند به بیماران بخش سوختگی بیمارستان امام رضا(ع) مشهد ارسال شد.

رمزگشایی از ۵۲ سرقت شهری

خبر

ابوعطا | جانشین فرمانده انتظامی استان از شناسایی و دستگیری یک زن و دو مرد که از متهمان اصلی ۵۲ فقره سرقت‌های سریالی در مشهد بودند خبر داد.
سردار ابراهیم قربان‌زاده در این باره گفت: در پی گزارش سرقت‌های سریالی از خانه‌های مسکونی و خودروهای مدل پایین در مناطقی از شرق شهر مشهد دستورات ویژه برای بررسی موضوع صادر شد.
وی افزود: کارآگاهان پایگاه شرق پلیس آگاهی با هدایت مستقیم رئیس پلیس آگاهی استان وارد عمل شدند و پس از بررسی آخرین سرقت اعضای این باند که اعلام دستبرد به خانه‌ای مسکونی بود و تحقیقات اولیه تیم تجسس کلانتری میرزاکوچک‌خان مشهد، به سرنخ‌هایی دست یافتند که منجر به ترسیم چهره فرضی یکی از عاملان اصلی سرقت و شناسایی متهم شد. کارآگاهان با ردزنی‌های گسترده، متهم که اهل استان دیگری بود را در مشهد دستگیر کردند.
قربان‌زاده گفت: متهم در تحقیقات اولیه با معرفی یک زن و مرد جوان که همدستش بودند، اعتراف



کرد در آخرین سرقت با ورود به خانه‌ای مسکونی، وسایل و قطعات خودرو سواری پارک شده در داخل پارکینگ و وسایلی از داخل خانه و نیز دو دستگاه تلویزیون و مقادیری طلا سرقت کرده‌اند.
در ادامه دو همدست متهم دستگیر و از مخفیگاه آنان مقادیری وسایل سرقتی و دو خودرو مسروقه کشف شد.
وی با اشاره به دستگیری شش‌مال‌خر در این پرونده ادامه داد: اعضای این باند تا کنون به ۵۲ فقره سرقت اعتراف کرده‌اند.

جدول ۳۵۵۹